



# رادیو و تشخیص زبانی

● محمدجعفر نوروزی شاد  
تهیه کننده و نویسنده رادیو- تبریز

## تشخیص زبانی و فرستنده

منظور از فرستنده هر آن کسی است که در تهیه و تنظیم متن و اجرای آن نقش دارد، اعم از نویسنده، مترجم، گوینده، گزارشگر و ...

برای پرهیز از این تصور غلط که تشخیص زبانی فرستنده هنگامی حاصل می‌شود که فرستنده سبک و سیاقی خاص و منحصر به فرد در گفتار داشته باشد، به بخشی از مقدمه کتاب موسیقی شعر نوشته دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی اشاره می‌کنیم:

«این روزها در نوشته‌ای از شاعر بزرگ روس، بوریس پاسترناک خواندم که ... برای من رؤیای «زبانی جدید» و شکل «بیان کاملاً شخصی» مفهومی ندارد ... فوق‌العاده‌ترین کشف‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که وجود هنرمند لبریز از چیزی گفتنی است؛ در این حالت او زبان رایج را برای بیان آن انتخاب می‌کند و این زبان در حین کاربرد از درون دگرگون می‌شود». (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۴)

به نظر می‌رسد نکته مهمی که موجب امتیاز بخشی به زبان می‌شود همین است. یعنی «دگرگونی زبان از درون در حین کاربرد»

در فرهنگ فارسی عمید ذیل عنوان «تشخیص» آمده است: «بزرگی یافتن، برجسته شدن و ممتاز گشتن».

با اتکا به همین معنا می‌توان گفت تشخیص زبانی مفهومی معادل برجستگی و ممتاز بودن زبان دارد، و تشخیص زبانی در رادیو مفهومی است که موجد ویژگی‌ها و برتری‌هایی در زبان رادیو نسبت به زبان گفتاری عامه مردم و موجب توجه برانگیزی مخاطب می‌شود.

البته باید توجه داشت که زبان ممتاز و متشخص در رادیو حاصل تعاملی دو سویه است. یک سو زبان رایج مردم قرار دارد و از سوی دیگر کاربران زبان در رادیو که زبان رایج مردم را با توجه به اصول و قواعد نوشتار و گفتار رادیویی به صورت پالایش شده به کار می‌برند. برای مطالعه نحوه شکل‌گیری چنین زبان ممتازی در رادیو، الگوی ارتباطی، فرستنده، کانال ارتباطی و گیرنده را در نظر گرفته و موضوع را در سه محور اصلی

-تشخیص زبانی و فرستنده

-تشخیص زبانی و کانال ارتباطی

-تشخیص زبانی و مخاطب بررسی می‌کنیم:



**با توجه به اینکه  
مطلب در رادیو برای  
گفته شدن نوشته  
می‌شود و نه خوانده  
شدن، تشخیص زبان  
در رادیو مرهون  
داشتن گفتار و بیان  
سهل و ساده است.**

و اشراف نداشتن فرستنده به دگرگونی‌هایی که در حین کاربرد زبان اتفاق می‌افتد، ممکن است منجر به از هم گسستگی ارتباط و تنزل سطح زبانی فرستنده شود.

اگر در رادیو زبان رایج را زبان گفتاری سطح متوسط جامعه با توجه به ویژگی‌های معیاری آن در نظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم به کار گرفتن زبان رایج شکلی از ارتباط کلامی است و دگرگونی‌های درونی آن در رادیو بیشتر ناشی از وجوه غیر کلامی ارتباط است که از آن با عنوان عناصر زیر زنجیری گفتار نظیر مکث، درنگ، آهنگ و ... یاد می‌کنیم و متأسفانه غالباً نیز از آن غافلیم.

در خصوص وجوه ارتباط کلامی نمی‌توان از تأثیر مخاطبان برنامه اعم از سن، سطح سواد، شغل، محل سکونت آنها و ...، موضوع برنامه اعم از علمی، ادبی، اجتماعی و ...، و قالب برنامه اعم از نمایش، میزگرد، گزارش و ... غافل ماند. اینها همه اموری هستند که بر نحوه شکل‌گیری ارتباط کلامی در رادیو و تشخیص زبانی یک برنامه رادیویی تأثیرگذارند.

قطعاً نحوه به‌کارگیری کلمات در برنامه رادیویی بسته به اینکه مخاطب آن برنامه چه ویژگی‌هایی داشته باشد متفاوت است. همچنین برنامه‌ای ادبی گونه‌ای خاص از ارتباط کلامی را طلب می‌کند که اقتضای یک برنامه علمی نیست. قالب برنامه نیز در شکل‌گیری ارتباط کلامی مؤثر است، چنانکه نحوه به‌کارگیری کلمات و جملات در دو حوزه صرفی و نحوی در یک نمایش رادیویی با یک میزگرد تفاوت‌های اساسی دارد. در خصوص وجوه غیرکلامی ارتباط و دگرگونی‌های زبانی از درون در حین کاربرد لازم است بیشتر به تأثیر اجرای گوینده برنامه اشاره کنیم، هر چند که نویسنده و تنظیم‌کننده متن نیز با استفاده از علائمی که در خارج

از حوزه الفبایی زبان قرار دارند نظیر ویرگول، گیومه، نقطه و ...، در این مورد تأثیرگذارند.

بدون شک رعایت عناصر زیر زنجیری گفتار و داشتن لحن مناسب از سوی گوینده هنگام انتقال متن برنامه به مخاطب، تأثیر به‌سزایی در هویت بخشیدن به زبان برنامه رادیویی دارد. دقیقاً به همین علت است که به گوینده‌ها سفارش می‌کنند حتی اعلام بخشی از برنامه را هر چند کوتاه باشد پس از یادداشت کردن بر روی کاغذ انجام دهند تا با تسلط بیشتری توان خود را صرف چگونگی به‌کاربردن عناصر زیرزنجیری گفتار هنگام اعلام برنامه بکنند. گوینده‌هایی که همین نکته ساده را رعایت نمی‌کنند نه تنها از به‌کاربردن این عناصر باز می‌مانند بلکه گاهی با فراموش کردن کلمه‌ای از کلماتی که در ذهن داشتند جمله‌ای ناقص با معنایی متفاوت ارائه می‌دهند.

### تشخیص زبانی و کانال ارتباطی (رادیو)

هر چه شناخت ما از ویژگی‌های رادیو بیشتر باشد بهتر می‌توانیم الگوهای زبانی منطبق با این ویژگی‌ها را به کار گرفته و به تشخیص زبانی مطلوب نزدیک‌تر شویم.

زبان در رادیو طیفی است از سبک‌های مختلف زبانی، از سبک نوشتاری و رسمی گرفته تا سبک عامیانه و کوچه‌بازاری. زبان در رادیو گاهی برای قرائت یک اطلاعیه کاملاً رسمی به کار می‌رود و گاهی برای شخصیت‌پردازی و فضاسازی در یک نمایش. با وجود همه این تفاوت‌ها و گوناگونی‌هایی که ناشی از به‌کاربردن زبان در برنامه‌های مختلف رادیویی است آنچه وجه مشترک همه این سبک‌ها و گونه‌های زبانی است خود رادیوست.

قبول محدودیت‌های تحمیل شده به رادیو (به دلیل کور بودن رسانه) و به رسمیت شناختن قدرت تخیل در رادیو، دو ویژگی عمده رادیوست که توجه به آنها می‌تواند به ما کمک کند تا زبانی برجسته و کارآمد را برای این رسانه به کار بگیریم. ذکر مجدد این نکته ضروری است که در این بخش فارغ از برنامه‌های مختلفی که از یک شبکه رادیویی پخش می‌شود قصد اشاره به برخی ویژگی‌های زبان را در رسانه رادیو داریم.

در رادیو زنجیره خطی گفتار و بازگشتی نبودن بودن آن محدودیت ایجاد می‌کند که در هر برنامه‌ای و با هر طیف و سبک و گونه‌ای از گفتار باید آن را مد نظر قرار داد.

استفاده از مترادف‌های واژه‌های کلیدی در گفتار، آوردن مطلب اصلی گفتار با تأخر، پرهیز از تابع افعال

در جمله‌هاست استفاده از جمله‌های کوتاه و انتقال تدریجی اطلاعات ناظر به رعایت اصل، بازگشتی نبودن بودن زنجیره گفتار در رادیوست. استفاده از مترادف‌های واژه‌های کلیدی در گفتار موجب تثبیت معنای پنهان در آن واژه‌ها می‌شود مثل به کاربردن دو واژه «سنجش و ارزیابی» در این جمله: «در این طرح دانش آموزان چهار تا شش ساله مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفتند.» آوردن مطلب اصلی گفتار با تأخر به نوعی برجسته کردن مقصود اصلی از جمله ارسالی است. مثلاً اگر در خبر مربوط به وقوع سیل مطلب اصلی آمار کشته‌شده‌ها باشد باید گفت:

«بر اثر وقوع این سیل ۵۰ نفر کشته شدند.» نه اینکه بگوییم: «۵۰ نفر بر اثر وقوع این سیل کشته شدند.»

بی‌توجهی به انتقال تدریجی اطلاعات، تتابع افعال در جمله‌ها و استفاده نکردن از جمله‌های کوتاه، انتقال معنا را مشکل می‌کند. کدام یک از این دو عبارت برای ارائه در رادیو مناسب‌تر است؟

- دولت ایران در سال ۱۳۲۴ با سهمیه یا حق عضویتی معادل ۲۴ میلیون دلار به عضویت بانک جهانی درآمد.

- دولت ایران در سال ۱۳۲۴ به عضویت بانک جهانی درآمد. سهمیه یا حق عضویت ایران در ابتدا ۲۴ میلیون دلار تعیین شده بود. همچنین با توجه به اینکه مطلب در رادیو برای گفته شدن نوشته می‌شود و نه خوانده شدن، تشخیص زبان در رادیو مرهون داشتن گفتار و بیان سهل و ساده است. نبود تنافر حروف در کلمات، همنشینی کلمات در کنار هم به گونه‌ای که موجب بیان راحت شود و استفاده از افعال مرکب به جای افعال بسیط در عین توجه به خصلت‌های معیاری زبان در رادیو حائز اهمیت است.

## تشخیص زبانی و مخاطب

عامل تأثیرگذار دیگر در نحوه شکل‌گیری زبان هر برنامه رادیویی، مخاطب است. زبان در رادیو نباید به گونه‌ای به کار گرفته شود که مخاطب حضور آن زبان را حجابی بر افکار و اندیشه‌های خود بدانند. به عبارتی ساده‌تر، زبان در هر برنامه رادیویی از نظر واژگان و تعابیر و کاربرد آنها در جملات باید متناسب با گنجینه لغات یا واژگان پایه مخاطبان آن برنامه و در عین حال خالی از تعابیر سطحی یا مفاهیم نازل و مبتذل باشد. این موضوع که با هر شخص و گروهی باید متناسب با ویژگی‌های آن شخص یا گروه سخن گفت، در فرهنگ ما موضوعی پذیرفته شده است. چنانکه مثلاً اعتقاد داریم:

چون که با کودک سروکارت فتاد  
پس زبان کودکی باید گشاد

مخاطبان هر برنامه بسته به اینکه از نظر سن، تحصیلات، جنسیت، جایگاه اجتماعی، محل سکونت و ... چه ویژگی‌های داشته باشند؛ طیف، سبک و گونه خاصی را از کاربرد زبان در رادیو طلب می‌کنند.

حتی در برنامه‌ای که مخاطب آن «عام» در نظر گرفته می‌شود برای مشخص نمودن زبان مناسبی که حائز امتیازات و برجستگی‌هایی برای مخاطب باشد ابتدا مفهومی با عنوان مخاطبان فرضی، در نظر گرفته می‌شود و بعد برای آن مخاطب فرضی مشخصاتی تعریف می‌کنند که هر چه این مشخصات بر مشخصات واقعی مخاطبان آن برنامه منطبق‌تر باشد، آن برنامه در جذب مخاطب خود موفق‌تر خواهد بود.

نکته مهم دیگر این است که باید میان تشخیص زبانی و تکلیف زبانی تفاوت اساسی قائل بود. سره‌گرایی یا حفظ صورت قدیمی زبان و به کاربردن واژگانی که در زبان گفتاری مخاطبان برنامه منسوخ شده و معادل‌های دیگری پیدا کرده اگر با بسامد زیاد همراه باشد، نه تنها به زبان تشخیص نمی‌بخشد بلکه محل انتقال معنا به مخاطب می‌شود. حتی اگر به سبب تعلق خاطر شخصی به صورت پیشین زبان و یا به قصد معرفی برخی از تعابیر و واژگان مهجور بخواهیم از این قبیل تعابیر و واژگان استفاده کنیم، لازم است آنها را در کنار معادل‌ها و مترادف‌هایی که آن واژگان و تعابیر در زبان مخاطبان دارند قرار دهیم تا القای معنا و مضمون مورد نظر به مخاطب صورت پذیرد.

مثلاً اگر بگوییم «او آدم پاچه‌ورمالیده‌ای است»، چه بسا بسیاری از مخاطبان متوجه خصوصیت آن آدم نشوند. در صورتی که اگر ما این کار را با نیت معرفی واژه «پاچه‌ورمالیده» انجام می‌دهیم لازم است از مترادف‌های آن واژه به فراخور بهره ببریم و بگوییم: «او آدم پاچه‌ورمالیده و شارلاتانی است.» یا «او آدم پاچه‌ورمالیده و حقه‌بازی است.»

با توجه به موارد مطرح شده می‌توان ادعا کرد که فرستنده‌ای زبان مشخص و برجسته دارد که با استفاده از زبان رایج مردم و با عنایت به دگرگونی‌هایی که این زبان در حین کاربرد پیدا می‌کند کلامش در ذهن مخاطب سایش ایجاد کند. یعنی نه بر ذهن مخاطب بلغزد به گونه‌ای که مخاطب خود را درگیر کلام نکند و کلام خصلت توجه‌برانگیزی خود را از دست بدهد، و نه در ذهن مخاطب متوقف شود به گونه‌ای که درگیری مخاطب با کلام او را در فهم معنا دچار مشکل کند.

### منبع:

۱. شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸). موسیقی شعر. تهران: آگاه.

